ساموئل مندس و ۱۹۱۷

ساموئل مندس، کارگردان انگلیسی، اولین فیلمش را در سال ۱۹۹۹ ساخت و برای این فیلم، جایزه اسکار و گلدن گلاب را دریافت کرد. مندس تحصیلات ابتدایی‌اش را در «برکاشیر ریدینگ» به پایان رسانید، اما نقطه‌عطف زندگی او تاسیس تئاتر دونمار و برهواس است. او به همراه شریک تجاری‌اش کاروفولینگ تئاتری را برپا کردند که آنها را از هیچ به اینجا رساند. تماشاخانه آنها توانست «نیکول کیدمن» را برای ایفای نقش در نمایش «اتاق آبی» در سال ۱۹۹۹ به انگستان بکشاند و این همان سالی بود که «زیبای آمریکایی» را ساخت و همین شروع شهرت این کارگردان انگلیسی در سینمای آمریکا بود. مرزبندی دقیق و روشنی را نمی‌توان بین فیلمسازان آمریکایی و انگلیسی مشخص کرد. از چارلی چاپلین و آلفرد هیچ‌کاک گرفته تا همین اواخر ریدلی اسکات و کریستوفر نولان را می‌توان فیلمسازان انگلیسی دانست که در سینمای آمریکا، فیلم ساختند و مشهور شدند. مندس هم از آن دست کارگردان‌های انگلیسی است. پدر او متولد ترینیداد و توباگو است؛ کشوری در خاک آمریکای جنوبی که مستعمره انگلستان است.

مادر ساموئل مندس هم یک یهودی انگلیسی است. گفته می‌شود مندس تازه‌ترین اثر سینمایی‌اش «۱۹۱۷» را با الهام از خاطرات پدربزرگ پدری‌اش «آلفرد مندس» ساخته است. آلفرد مندس از اولین نویسندگان داستان کوتاه در هند غربی است که ازجمله فیلم‌های مطرح او می‌توان به «زیبای آمریکایی»، «جاده‌ای به‌سوی تباهی»، «جاده انقلابی» و «اسکای‌فال» اشاره کرد. مندس در اوایل سال ۲۰۱۰ از همسر خود کیت وینسلت بازیگر مشهور انگلیسی، پس از هفت سال زندگی مشترک جدا شد. سم مندس از سال ۲۰۱۵ و پس از ساخت فیلم سینمایی «اسپکتر» (Spectre) بیست‌وچهارمین فیلم از مجموعه فیلم‌های جیمز باند، اثر جدیدی تولید نکرده بود تا اینکه سال گذشته با فیلم ۱۹۱۷ به سینماها بازگشت. ساختی کار مندس در فیلم جدیدش، به‌خاطر سکانس و پلان این فیلم است. مندس در ویدئوی مربوط به پشت صحنه فیلم درخصوص این مدل فیلمبرداری گفته است: «از همان آغاز احساس کردم فیلم باید از نظر زمان روایی مطابق با زمان واقعی باشد تا مخاطب بتواند در هر قدم با این سربازان همراه شود و هر لحظه را کنار آنها تنفس کند. برای این کار راهی بهتر از فیلمبرداری از طریق یک نمای ممتد وجود نداشت.»

به گفته سم مندس، در ساخت آثار سینمایی همیشه با خارج کردن یک صحنه یا حذف و اضافه می‌شود از بن‌بست‌ها خارج شد، اما در این فیلم چنین امکانی نبود. کارگردان ۱۹۱۷ گفته که حرکت دوربین باید با آنچه بازیگران انجام می‌دادند در هماهنگی می‌بود و رسیدن به این نقطه واقعا زیبا و مهیج است. راجر الکساندر دیکینز، مدیر فیلمبرداری پروژه سینمایی ۱۹۱۷، به‌خاطر سبک خاص نورپردازی آثارش و استفاده از برداشت بلند مشهور است. او تاکنون برای آثار خود ۱۴ بار نامزد جایزه اسکار بهترین فیلمبرداری شده که در سال ۲۰۱۸ و برای فیلم بلید رانر ۲۰۴۹ توانست این جایزه را به خود اختصاص دهد. رستگاری در شاوشنک، فارگو، ذهن زیبا، اسکای‌فال و سیکاریو ازجمله آثار مشهور دیکینز هستند.

دوست و دشمن در سینمای متفقین

خیلی از فیلم‌های انگلیسی‌زبان که عمدتا تولید آمریکا هستند، ظاهری ضدجنگ دارند اما از یک نکته به‌هیچ‌وجه عدول نخواهند کرد و آن نشان دادن تصویری خشن، شرور، غیرقابل اعتماد و غیرانسانی از دشمن است. در «نجات سرباز رایان» چند سرباز آمریکایی با یک اسیر آلمانی احساس همدلی می‌کنند اما این اسیر به‌محض آنکه فرصت گیرش آمد، به آنها از پشت خنجر می‌زند. در «فهرست شیندلر» هم تصویری از فرمانده نازی‌ها نمایش داده می‌شود که تحت هیچ شرایطی اصلاح‌پذیر نیست و حتی به این پا نمی‌دهد که با توهین شباهت به فرعون در بخشندگی و عفو ضعیفان، از کشتار یهودی‌ها دست بردارد. حتی «ستیغ اره‌ای» ساخته مل گیبسون که جزء آخرین و مهم‌ترین نمونه‌های جنگی در سینمای آمریکاست و بسیار ستوده شد، با اینکه سر تا پا یک فیلم ضدجنگ به نظر می‌رسد، تصویری از ژاپنی‌ها نشان می‌دهد به طرزی واضح از زامبی‌ها وام گرفته شده و میزانسن بیرون آمدن آنها از زیر زمین را در این زمینه می‌شود، مثال زد.

مل گیبسون در این فیلم می‌گوید باید جنگید اما در کنار آن باید زخمی‌ها هم نجات داده شوند. ۱۹۱۷ هم با اینکه عملا یک فیلم درباره ترس از جنگ است، فقط برای جان خودی‌ها نگران است و یکی از زشت‌ترین و حتی غلوشده‌ترین تصاویر را از موجودی به نام دشمن نمایش می‌دهد. تام و ویل که برای رساندن پیام عقب‌نشینی به سمت لشکر دوم می‌روند، در راه، خلبان یک هواپیمای سقوط کرده آلمانی را از کابین آتش گرفته‌اش نجات می‌دهند اما خلبان، تا شعله‌های لباسش خاموش شد، چاقو در شکم تام فرو می‌کند.

در بخش دیگری از فیلم ویل که وسط موضع آلمان‌هاست، با یک سرباز آلمانی گلاویز می‌شود و دست روی دهانش می‌گذارد و قول سکوت می‌گیرد تا دستش را بردارد. سرباز آلمانی قول می‌دهد اما تا ویل دستش را برداشت، بلافاصله فریاد می‌کشد که بقیه را از وجود او آگاه کند. این درحالی است که ویل از فرصت کشتن این سرباز آلمانی صرف‌نظر کرده بود. سام مندس هم مثل باقی فیلمسازان جنگی انگلیسی‌زبان، با لحنی سازش‌ناپذیر می‌گوید که به دشمن خوبی نیامده است و نه می‌شود به او اعتماد کرد و نه حتی می‌توان او را یک انسان و اندکی شایسته همدلی و دلسوزی دانست. اگر ۱۹۱۷ فیلمی ضدجنگ باشد، به خاطر غلبه ترس بر انصرف آن است، نه دارا بودن احساسات انسانی.

آیا ۱۹۱۷ برای پروپاگاندای جنگ با ایران ساخته شد؟

تطبیق دقیق نمادین بین فیلم ۱۹۱۷ و شرایط جنگی واقع‌شده میان ایران و آمریکا، ممکن است این سوال را در بسیاری از ذهن‌ها ایجاد کند که آیا آنها از قبل، پیش‌بینی این شرایط را کرده بودند و برای آن فیلم ساخته بودند؟ در حوزه انگلیسی‌زبان سینما که مرکزیت آن با آمریکاست و در حاشیه‌اش انگلستان، کانادا و استرالیا قرار دارند، فیلم‌های پرتعدادی با موضوعات متنوع ساخته می‌شوند و می‌شود گفت هر اتفاقی در جهان بیفتد، لااقل یک فیلم انگلیسی‌زبان در آن سال هست که مضمونش با اتفاق رخ‌داده ارتباط داشته باشد. به‌طور مثال وقتی اعتراض به نظام سرمایه‌داری در جوامع مختلف جهان جریان پیدا می‌کند، آمریکا که خودش سیل اصلی این انتقادات است، لااقل یک فیلم دارد که در آن به سبک خودش در این‌باره صحبت کرده یا مثلا اگر نزاع تکنولوژیک آمریکا و چین که نمود شاخص آن جلو افتادن چین‌ها در فناوری «جی۵» بود، امسال بیشتر از مساله ایران و آمریکا جدی می‌شد، آنها فیلم «دوبه و فراری» را داشتند که در این زمینه غرور آمریکایی‌ها را راضی می‌کرد. ۱۹۱۷ هم فیلمی بود در کنار فیلم‌های فراوان دیگری که حوزه انگلیسی‌زبان سینما تولید می‌کند و حالا وقتی رویاروی ایران و آمریکا اوج گرفت، چنین اثری می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. این البته ناقبی نگاه پیشگویانه سام مندس به اتفاقات سیاسی جهان نیست؛ همان‌طور که تاد فیلیپس هم در «جوکر» به مسائلی که جهان امروز در مقابل نظام سرمایه‌داری با آن روبه‌روست بی‌توجه نبود، اما این فیلم برای قرار گرفتن در پارلی اسفند سال ۲۰۱۹، توسط سیاستگذاران سینمای آمریکا برنامه‌ریزی نشده بود. چیزی که سینمای انگلیسی‌زبان کمک بسیاری رسانده و حتی آن را دارای قابلیت‌های استراتژیک برای بهره‌برداری در مواقع خاص می‌کند، تنوع ژانرها و مضامین آن است.

ادامه از صفحه ۱۲

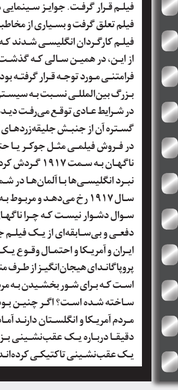

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

فیلم «۱۹۱۷»، ناگهان به شکل بی‌سابقه‌ای در جدول منتقدان آمریکا عروج کرد و مورد توجه انجمن‌های مختلف سینمایی، از تهیه کنندگان گرفته تا نشریات تخصصی فیلم قرار گرفت. جوایز سینمایی متعددی طی همین چند وقت اخیر به این فیلم تعلق گرفت و بسیاری از مخاطبان سینما جذب تماشای «۱۹۱۷» یعنی آخرین فیلم کارگردان انگلیسی شدند که قبلا بارها در آمریکا فیلم ساخته بود. پیش از این، در همین سالی که گذشت، دو فیلم «جوکر» و «انگل»، به‌دلیل اتفاقات فراماتنی مورد توجه قرار گرفته بودند. این فیلم‌ها با توجه به انفجار یک بغض بزرگ بین‌المللی نسبت به سیستم فراگیر و جهانی سرمایه‌داری، بیشتر از آنچه در شرایط عادی توقع می‌رفت دیده شدند و به‌طور صریح می‌توان اتفاقاتی را که گستره آن از جنبش جلیقه‌زردهای فرانسه تا اعتراضات شیلی را شامل می‌شد، در فروش فیلمی مثل جوکر یا حتی انگل سهیم دانست. حالا اما توجهات ناگهان به سمت ۱۹۱۷ گردش کرده‌اند. این فیلم جنگی است و ماجرای آن به نبرد انگلیسی‌ها با آلمان‌ها در شمال فرانسه مربوط می‌شود. اتفاقات فیلم در سال ۱۹۱۷ رخ می‌دهد و مربوط به جنگ جهانی اول است و لابد پاسخ به این سوال دشوار نیست که چرا ناگهان جوامع آمریکا و انگلستان چنین استقبال دفعی و بی‌سابقه‌ای از یک فیلم جنگی می‌کنند. طبیعتا مساله به رویارویی ایران و آمریکا و احتمال وقوع یک جنگ بزرگ برمی‌گردد. آیا این فیلم یک پروپاگاندای هیجان‌انگیز از طرف متحد استراتژیک و سنتی آمریکا یعنی انگلیس است که برای شور بخشیدن به مردم این دو کشور و ترغیب‌شان جهت جنگیدن ساخته شده است؟ اگر چنین بود، استقبال از ۱۹۱۷ این‌طور معنا می‌داد که مردم آمریکا و انگلستان دارند آماده جنگیدن با ایران می‌شوند. اما این فیلم دقیقا درباره یک عقب‌نشینی بزرگ و لغو عملیاتی خطرناک است. آنمان‌ها یک عقب‌نشینی تاکتیکی کرده‌اند و همین مساله ارتش انگلستان را به وسوسه حمله‌ای بزرگ می‌اندازد. اما فرمانده کل ارتش انگلستان توسط عکس‌های هوایی این را دریافته که عقب‌نشینی آلمان‌ها تاکتیکی و در حقیقت یک تله است. او یک گروهبان از لشکر هشتم را مامور می‌کند تا با انتخاب یک همراه، به لشکر دوم برود و به سرهنگ مک کنزی این پیام را برساند که عملیات باید لغو شود و نباید از عقب‌نشینی تاکتیکی آلمان‌ها چنین برداشت کرد که می‌توان با یک حمله نهایی، آنها را شکست داد. گروهبان تام بلیک که برای ماموریت انتخاب می‌شود، برادری در لشکر دوم دارد و انتخاب او به همین دلیل است؛ چون او برای نجات جان برادرش انگیزه‌ای بالا دارد و می‌خواهد به هر ترتیب که شده، این پیام را به سرهنگ مک کنزی برساند. ۱۹۱۷ به هیچ‌وجه با دشمن همدلی نمی‌کند و اصرارش روی عقب‌نشینی، از سر دلسوزی توأمان برای خودی‌ها و نیروهای مقابل نیست. در این فیلم همچنان زشت‌ترین و شرورترین تصویر از دشمن نمایش داده می‌شود، اما فیلم بار هم در انتها نتیجه می‌گیرد که باید عقب‌نشینی کرد، نه به خاطر دلسوزی برای آدم‌های جبهه دشمن، بلکه برای خودمان. استقبال ناگهانی از چنین فیلمی با چنین مضمونی در شرایط سیاسی و نظامی امروز جهان، پیام‌های روشنی دارد. نکته جالب دیگری که به این فیلم جنبه نمادین می‌دهد و آن را با شرایط امروز جهان که بین ایران از یک‌سو و آمریکا و شریکش انگلستان در سوی دیگر پیش آمده است قابل تطبیق می‌کند، درگرفتن جنگ آلمان و انگلستان در زمین یک کشور ثالث، یعنی فرانسه است. در ۱۹۱۷ هم مثل بسیاری از فیلم‌های دیگر جنگی که در آمریکا و انگلستان ساخته شده‌اند، سربازان انگلیسی‌زبان، خودشان را دوست و یاور مردم فرانسه و مدافع آنها در برابر آلمانی‌ها می‌دانند. اگر جنبه‌های نمادین فیلم ۱۹۱۷ با شرایط جنگی بین ایران و آمریکا تطبیق داده شود، مشاهده خواهد شد که هیچ نوع همدلی با دولت و ملت ایران از آن قابل برداشت نخواهد بود. بلکه صرفا آنچه باعث سر باز زدن از جنگ و شروع یک عملیات بزرگ می‌شود، در حقیقت ترس از جان نیروهای خودی و افتادن در تله دشمن است.

پروژه نجات در ارتش‌های غیرآرمانگرا

در بسیاری از فیلم‌های جنگی آمریکا تاکید ویژه‌ای روی نجات جان یک انسان به هر قیمتی دیده می‌شود؛ هرچند آن انسان سرباز باشد، یعنی کسی که طبعتا آماده مرگ است. این تم مستقیما از نیروهای مسلح آمریکا و انگلستان به سینمای این کشورها وارد شده و قرار است در جوامعی که فردگرا و پیرو اصل سودانگاری فردی در روابط اجتماعی هستند، جای آرمان را بگیرد.

به‌عبارتی جایی که غلبه با تفکر مادی است و آرمان وجود ندارد، فدایی بودن هم معنا نمی‌دهد و یک ارتش در خلأ نیروهای فدایی و جان‌برکف، چسبندگی اعضایش به همدیگر را در معرض خطر خواهد دید. حالا در عوض این خلأ باید به چنین سربازانی القا شود که آرمان ارتش، نجات جان تک‌تک شماست. آرمان شما نجات جان هم‌لباس‌هایتان است و آنها هم برای شما چنین خواهند کرد. این حداقل کاری است که برای روحیه‌بخشی به سربازان ترس‌خورده و بی‌انگیزه وجود دارد.

این که ارتش‌های این دو کشور در عالم واقع چه تعداد از افرادشان را به کشتن داده‌اند، یک بحث است و اینکه شعار اصلی و عنصر شیرازه‌بخش روحی در این ارتش‌ها چه چیزی است، یک بحث دیگر. به‌عبارتی در فرهنگی که کاملا مادی باشد و هیچ‌چیز نمی‌تواند از جان انسان‌ها ارزشی والاتر پیدا کند، تاکید روی حفظ جان انسان‌ها و البته اگر دقیق‌تر نگاه شود سربازهای خودی، راهی برای جلوگیری از متلاشی‌شدن بنیان آن لشکر است. نکته قابل توجه در این میان این است که «نجات» فقط درمورد سربازان خودی مشروع شمرده می‌شود و یکی، دو تصویر خشن و غیرانسانی از دشمن، کاری خواهد کرد تا مخاطب دچار این تناقض نشود که چرا جان انسان‌های جبهه روبه‌رو به اندازه سربازان خودی مهم نیست. «نجات سرباز رایان»، «فهرست شیندلر»، «خشم»، «مهلکه»، «ستیغ اره‌ای» و بسیاری از فیلم‌های جنگی دیگر که در حوزه انگلیسی‌زبان ساخته شده‌اند، همه از همین دورنمایه برخوردارند و ۱۹۱۷ هم اینچنین است.

یک نمایش تکنیکی قابل تحسین

فیلم «۱۹۱۷» از نظر تکنیکی فیلمی قابل تحسین و دارای ویژگی‌های مثال‌زدنی است. فیلم به‌طور کل از چند سکانس و پلان بسیار طولانی تشکیل می‌شود و تقریبا کات نمی‌خورد. در عین حال با اینکه زمان فیلم دو ساعت است، زمان اتفاقات آن چندین برابر بیشتر است و سام مندس این خفره‌ها را به خوبی پرمی‌کند. اولین آتشی که در فیلم نمایش داده می‌شود، انفجار تله‌ای است که در سنگر متروکه آلمانی‌ها کار گذاشته شده بود و این مربوط به دقیقه ۲۸ فیلم می‌شود. پس از آن هم تنها چند شلیک محدود وجود دارد و ناگهان صحنه عملیاتی که ویل و تام قرار بود متوقفش کنند، همراه با صدای سوت فرماندهانی که علامت حمله است، یک آتش بازی بزرگ را رقم می‌زند.

صحنه‌ای که ویل با بیرون جستن از کانال‌های سربازان، می‌خواهد به سمت سنگر سرهنگ مک کنزی برود را می‌توان یکی از بهترین میزانسن‌های سینمایی در سال‌های اخیر به‌حساب آورد؛ هر چند جلوه‌های ویژه کامپیوتری در خلق آن نقش کمی نداشته‌اند. این صحنه با توجه به اینکه کلیت فیلم تا پیش از این آتش‌بازی کمی داشت، می‌تواند تاثیر بیشتری هم پیدا کند. التزام سام مندس به کات نزدن و ایجاد نکردن تمپوی تدوینی، در بعضی از صحنه‌های کار او را با مشکل مواجه کرده اما همین التزام، بعضی از جاها به تعلیق فیلمش رنگ و بوی هیجان‌انگیزتری داده است. با اینکه سام مندس کارگردانی است که در ژانر اکشن هم سابقه خوبی دارد، اینجا در فیلم ۱۹۱۷ از ویژگی‌های فرمی ژانرهای وحشت و تریلر برای ایجاد جذابیت سینمایی بهره بیشتری برده است.

جوایز غافلگیرکننده ۱۹۱۷

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

انجمن تهیه کنندگان آمریکا

سی‌ویکمین مراسم اهدای جوایز انجمن تهیه کنندگان آمریکا (PGA) اسامی برندگان ۲۰۲۰ خود را در بخش‌های فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی در هالیوود بالادیوم اعلام کرد. این مراسم که با ترانه‌ای با اجرای ایدینا منزل از لیمیشن دیج زده ۲ باعنوان «سوی ناشناخته» که نامزد اسکار هم هست، شروع شد و جایزه اصلی خود را در بخش فیلم‌های سینمایی به فیلم «۱۹۱۷» اهدا کرد و این فیلم را برنده جایزه داریل اف. زانوک -که به‌بهترین تهیه کننده سال اهدا می‌شود- نامید.

انتخاب مستقبلان آمریکا

بیست‌ویکمین دوره جوایز سالانه انتخاب مستقبلان، در لس‌آنجلس و کمی پیش از معرفی نامزدهای اسکار ۲۰۲۰ برگزار شد. درعین حال این به آن معناست که معرفی برندگان این جوایز نقشی در انتخاب نامزدهای اسکار ندارد، اما می‌تواند این تصور را ایجاد کند که باید منتظر شنیدن نام چه چهره‌هایی در فهرست نامزدهای اسکار بود. جوایز انتخاب مستقبلان که از سوی انجمن مستقبلان سینما و تلویزیون اهدا می‌شود جایزه بهترین فیلم خود را به «روزی روزگاری در هالیوود» ساخته کوئنتین تارانتینو داد و جایزه بهترین کارگردان را به‌طور مشترک به سام مندس برای «۱۹۱۷» و بونگ جون هو برای «پارازیت» اهدا کرد.

انجمن مستقبلان هالیوود

فیلم جنگی ۱۹۱۷ ساخته سم‌مندس به‌عنوان بهترین فیلم از سوی سومین دوره جوایز انجمن مستقبلان هالیوود انتخاب شد. اعضای انجمن مستقبلان هالیوود ۱۰ ژانویه (بنجشنبه ۹ دی) فیلم سم‌مندس را که به‌عنوان بهترین فیلم گلدن گلوب انتخاب شده بود به‌عنوان بهترین فیلم خود برگزیدند. این فیلم همچنین جایزه بهترین فیلم جنگی -اکشن، بهترین فیلمبرداری برای راجرد دیکینز و بهترین تدوین را برای لی اسمیت دریافت کرد و درمجموع با دریافت چهار جایزه بیشترین جوایز این انجمن را از آن خود کرد.

هدای جوایز تدوینگران

با اهدای جوایز حلقه فیلم‌های طلایی کارسوی انجمن تدوین صدای آمریکا اهدا می‌شود، ۱۹۱۷، «فورد در برابر فراری»، «انگل» و «مندالورین» در میان بهترین‌ها جای گرفتند. در شصت‌وهفتمین دوره اهدای جوایز تدوینگران صدای سینما که برگزار شد، جایزه اصلی برای بهترین دستاورد در تدوین صدای یک فیلم بلند به ۱۹۱۷ اهدا شد.

گلدن گلوب

از دیگر جوایزی که این فیلم کسب کرد در گلدن گلوب بود که برای بهترین تصویر درامتیک و بهترین کارگردانی را برای مندس به ارمغان آورد. هشت نامزدی در بیست‌ونجمین جوایز منتقدان منتخب ۹ نامزدی در هفتادوسومین دوره جوایز فیلم آکادمی انگلیس دریافت کرد. همچنین این فیلم توسط هیات ملی بررسی و موسسه فیلم آمریکا به‌عنوان یکی از ۱۰ فیلم برتر سال انتخاب شد.

نگاه‌ها به این فیلم:

سایت روتین

روتین که یکی از سایت‌های مهم بررسی فیلم‌های سینمایی است درمورد این فیلم می‌نویسد: «۱۹۱۷ دارای رتبه تایید ۸۹ درصد براساس ۳۵۵ بررسی، با میانگین امتیاز ۸/۳ از ۱۰ است، اجماع منتقدان این سایت می‌نویسد: «سنگین، غوطه‌وری و یک دستاورد فنی چشمگیر». ۱۹۱۷ جنگ سنگر جهانی اول را بی‌واسطه و ناخوشایند ضبط می‌کند، همچنین این سایت گزارش داده است که این فیلم میانگین ۴/۵ از ۵ ستاره را دریافت کرده است و ۶۹ درصد از مردم گفتند آنها قطعا آن را توصیه می‌کنند.

سیوبوک نایمز

یک اثر جنگی که با دقت خیلی زیاد و براساس اصول توسط سم مندس ساخته شده است. کارگردان با این اثر جنگی، یکی از فاجعه‌بارترین بخش‌های این دوران را تبدیل به تمرینی برای به نمایش گذاشتن فن نمایش خود استفاده کرده است.

رابرت ایرت

نشستن در سالن سینما و تماشای این فیلم، درست همانند زمانی است که فرد دیگری به مدت دو ساعت کامل درحال بازی کردن یک بازی ویدئویی است؛ بازی‌ای که هیچ موضوع خاص و قانع کننده‌ای ندارد.

گلوب اندمیل

در رابطه با فیلم ۱۹۱۷ ساموئل مندس که حول محور جنگ جهانی اول می‌چرخد، این گونه می‌توان گفت این اثر، دقیقا همان تجربه سینمایی محسوب می‌شود که بایدروی نزگرتین مقیاس ممکن به نمایش در بیاید.

ورایتی

فیلمسازی مندس برخی اوقات نمی‌تواند خیلی حیرت‌انگیز باشد. اینبیشتر از تکنیک و روش، به شخصیت توجه زیادی دارد. همین مورد هم باعث شده تا فیلم ۱۹۱۷ تبدیل به یکی از چشمگیرترین دستاوردهای سینمایی سال ۲۰۱۹ شمرده شود.

ریل ویوز

این فیلم به جرأت به‌عنوان یکی از به‌یاد ماندنی‌ترین تجربه‌های سال جاری انتخاب می‌شود.

ایملر تود

این جنگی است که در قالب تیراندازی اول شخص روایت می‌شود. به همین دلیل هم به‌طرز فوق‌العاده‌ای می‌تواند مخاطب را در لحظه قرار دهد و هیجان به او وارد کند.

ای جی ان

فیلم ۱۹۱۷ اثری است که با دقت و تخصص زیادی ساخته شده است؛ اثری که داستان آن در پشت خطوط دشمن جریان دارد و پر از هیجان و دلهره است. فیلم ۱۹۱۷ کماسولو مندس ساخت آن را برعهده داشت. فیلمبرداری با شکوه سرعت پیشروی قاطعانه و درست، بازسازی زمان و مکان بسیار خوب را در خود دارد. مندس آنقدر هوشمند است که هیچ‌وقت در داستانی با مقیاس بسیار بزرگ و اکشن که داستانی سریع هم دارد، از عناصر خیلی کوچک و صمیمی اصلا چشم‌پوشی نمی‌کند و برعکس به همه چیز هست.

سیوبوک پست

فیلم ۱۹۱۷ یک اثر جنگی مدرن کلاسیک است و به جرأت یکی از بهترین آثار سینمایی سال جاری محسوب می‌شود.

ورجینال‌سین

غیرممکن است که کسی بخواهد در رابطه با احساسات فوق‌العاده زیاد و جنبه‌های روانشناسی‌ای که در این فیلم وجود دارد، اغراق کند. مندس در تمام آن سنگرهایی که خدا آنها را رها کرده، وجود دارد و کنترل ما را در دست می‌گیرد.

واکنش‌های تویتری به ۱۹۱۷

ایندی ویر واکنش‌های اولیه بینندگان این فیلم در توئیتر را جمع‌آوری کرده است: فیلم ۱۹۱۷ واقعا اثری میکوکب کننده است. در تمام طول فیلم نفس حفظ می‌شود. اغلب اوقات رعب‌آور است. «گاهی این احساس به شما دست می‌دهد که مشغول دیدن یک فیلم ترسناک واقعی هستید.» «اول کار، نگران ماجرای یک برداشت متوالی در طول فیلم بودم و اینکه مبادا زیادی لوس به نظر برسد. اما واقعا با این قسمه درست کار کرده بود. باعث می‌شد ما دقیقا حس کنیم وسط آن جهنم هستیم. فیلم برجسته‌ای است. به‌طور شگفت‌انگیزی احساسات واعماق قلب‌تان را منفجر می‌کند. سکانس‌های مبهوت کننده یکی بعد از دیگری می‌آیند. بازی‌ها به یادماندنی است. آنقدر شما را در خودش فرو می‌برد که فراموش می‌کنید این فیلم در یک برداشت گرفته شده است. فیلمی که از درون متهوراته و جسورانه است.

سال ۱۹۱۷: قحطی ایران، انقلاب روسیه

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

کمتر کسی است که از سال ۱۹۱۷ تولد جان اف کندی آمریکایی یا مایترین بزرگ آلمانی را در یاد نداشته باشد. سال ۱۹۱۷ آنقدر اتفاقات بزرگ و تاثیرگذار داشته که بعد از ۱۰۳ سال هنوز هم می‌شود درباره‌اش کتاب نوشت و فیلم ساخت. هرچند یک سال بعد از ۱۹۱۷ جنگ جهانی اول تمام شد و جهان دچار تغییرات اساسی، اما دوحادثه مهم این دوره یعنی انقلاب روسیه و قحطی در ایران و درنتیجه کشته‌شدن میلیون‌ها ایرانی همچنان مسائل مهمی هستند که سعی می‌شود در این مجال به‌صورت گذار به آنها پرداخته شود.

انقلاب روسیه

روسیه پیش از سال ۱۹۱۷ باز هم انقلاب به خود دیده بود. با انقلاب ۱۹۱۷ و کنار رفتن خاندان سلطنتی «رومانوف»، روسیه دوران تازه‌ای به خود دید، اما درحقیقت بعد از انقلاب ۱۹۰۵ بود که جایگاه «نیکلای دوم» به‌عنوان تزار روسیه تا حد زیادی تضعیف شد. اگرچه نیکلای دوم از انقلاب ۱۹۰۵ جان سالم به‌در برد، اما درنهایت مجبور شد «بیانیه اکتبر» را امضا کند. این بیانیه بندهایی مانند افزایش آزادی‌های مدنی، حق رای برای تمام مردان و تاسیس یک پارلمان به نام «دوما» که نمایندگان آن از طریق رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند، داشت. نکته مهم در این میان این بود که در انقلاب ۱۹۰۵، ارتش بسیار قدرتمند روسیه به تزار وفادار ماند، اما این وفاداری در انقلاب ۱۹۱۷ تکرار نشد. همین پدیده، نقطه عطف این انقلاب بود که درنهایت منجر به نابودی حکومت تزارها شد. اما ماجرای انقلاب روسیه چه بود؟ این انقلاب جنبشی اعتراضی و ضد امپراتوری روسیه بود که در سال ۱۹۱۷ رخ داد و به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. مبانی انقلاب بر پایه صلح، نان و زمین استوار بود. می‌توان دو مرحله برای این انقلاب منظور کرد. مرحله اول، انقلاب فوریه ۱۹۱۷ رخ داد. در این انقلاب پس از اعتصاب‌ها، تظاهرات و درگیری‌ها، نیکولای دوم، آخرین تزار روسیه از سلطنت خلع شد و یک دولت موقت به قدرت رسید. دولت موقت زیر نظر گئورگی لووف و الکساندر کرنسکی تشکیل شد. اکثر اعضای دولت موقت، از شاخه منشویک حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بودند. دومین مرحله، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بود. انقلاب اکتبر، تحت نظارت حزب بلشویک (شاخه رادیکال از حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه) و به رهبری ولادیمیر لنین به پیش رفت و طی یک یورش نظامی همه جانبه به کاخ زمستانی سن پترزبورگ و سایر اماکن مهم، قدرت را از دولت موقت گرفت. در این انقلاب افراد بسیار کمی کشته شدند.

نکته مهم این است که از نوامبر ۱۹۱۷ تا اکتبر ۱۹۲۲ میلادی، سرزمین روسیه درگیر یک جنگ داخلی می‌شود. ارتش سرخ به رهبری تروتسکی با ارتش سفید می‌جنگد. نظامیان و سلطنت‌طلبان تزاری با حمایت بریتانیا و فرانسه، گروهی موسوم به ارتش سفید را سازماندهی کرده بودند. ارتش سفید در چهارگوشه روسیه شروع به مخالفت کرده، تزار و خانواده‌اش که در یکاترینبورگ حصر خانگی هستند توسط بلشویک‌ها تیرباران و کشته می‌شوند. سرانجام شورش‌های ارتش سفید به‌تدریج تا سال ۱۹۲۲ میلادی سرکوب شد و نهایتا با تسلط ارتش سرخ بر شهر ولادی‌وستوک در اکتبر ۱۹۲۲ میلادی، نیروهای ارتش سرخ عملا بر اکثر نقاط روسیه مسلط شدند؛ شوروی تاسیس می‌شود.

قحطی ایران

«فاجعه»، «هولوکاست ایرانی»، یا «قحطی بزرگ»؛ اسمش هر چه باشد از بزرگی این مصیبت کم نمی‌کند. هرچند این واقعه عظیم، مخالفانی در خارج یا داخل داشته باشد. دوره زمانی این قحطی بزرگ از سال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ هجری شمسی است که مصادف می‌شود با ۱۹۱۷ و ۱۹۱۹ میلادی. در این دوران که مصادف با جنگ جهانی بود به‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ از سوی حکومت ایران، بخش‌هایی از ایران توسط نیروهای روسیه و انگلیس اشغال شده بود. در همین زمان درگیری‌های داخلی نیز قدرت مرکزی را در ایران ضعیف کرده بود. درمورد شیوع بیماری در این اطلاعات دقیقی در دست نیست و تعداد ایرانیانی که در این زمان کشته شدند محل مناقشه است. برخی متخصصان چنین پیشنهاد می‌کنند که مجموعه‌ای از قحطی، وبا، مالاریا و اعتیاد فراگیر در تراک سبب نرخ عرعادی مرگ‌ومیر در ایران شده بود. غالب بین یک تا سه میلیون نفر است. در برخی از منابع در این قحطی نزدیک به ۵۰ درصد از جمعیت ایران (۹ میلیون) به‌سبب گرسنگی، سوءتغذیه و قحطی از بین رفتند. البته این جمع از تلفات تنها توسط یکی از محققان مطرح شده است. دکتر محمدقلی مجد، محقق ایرانی مقیم آمریکا که به اسناد وزارت امور خارجه آن کشور راجع به تحولات تاریخ معاصر ایران دسترسی دارد کتابی تحت عنوان «قحطی بزرگ» نوشته است. او درباره علل این قحطی گفته است: «در زمان جنگ جهانی اول که از سال ۱۹۱۷ به بعد، یعنی بعد از انقلاب کبیر روسیه، ارتش اشغالگر روسیه در ایران متلاشی شد و بعد از آن انگلیس آمد و تمام ایران را به اشغال نظامی خود درآورد. یعنی زمانی که قحطی در ایران اتفاق افتاد ایران در اشغال نظامی انگلیسی‌ها بود. خب می‌پرسیم انگلیس‌ها چه اقدامی در مقابل قحطی کردند که به مردم ایران کمک کنند، نه تنها کمکی نکردند، بلکه اقدامات آنها قحطی را تشدید کرد. مثلا ارتش انگلیس مشغول خرید مقدار عظیمی غلات در غرب و شرق ایران بوده است که برای صادرات به موردخان درباره تعداد کشته‌شدگان این قحطی بزرگ را حتی با گذشت ۱۰۰ سال هم نمی‌توان از کنار این واقعه به‌راحتی گذشت. حالا و با پخش فیلم «۱۹۱۷»، شاید زمان مناسبی برای بررسی آن دوران به‌وجود آمده باشد.

دکتر مجد در گفت‌وگویی در باره نقش انگلیسی‌ها درباره این قحطی چنین گفته است: «انگلیسی‌ها تا اسناد تاریخی مربوط به ایران در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹ را هنوز باز نکرده‌اند یعنی بعد از ۱۰۰ سال از وقوع جنگ جهانی اول این اسناد به‌طور طبقه‌بندی شده باقی مانده و در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است. پس چاره‌ای نیست به اسنادی که باز شده‌اند و موجود هستند، رجوع کنیم. در مور